



# مجله علمی و فلسفی

کتابخانه علمی و فلسفی

از لحاظ سیاسی و نظامی و هم از حیث فقهی و فناوری جهان را تحت سیطره داشت و آن را هدایت می کرد.

مسلمانان در قبایل یا دیگر قسطنطنیه ها از نظر آزادی طلبی و دوست داشتن آزادی، توتولی ندارند. اما آن ها خود را اسیر و گرفتار رژیم های دهنش و خود کلمه ای می بینند که سرسپرده حامی یا وابسته به غرب هستند. وضع اسف بار مردم قسطنطنیه، کشمیر و چین کمالاً رنج و محنت جهان اسلام را نشان می دهد. پاسخ جامع به این شرایط طیف کلمه ای از مقاومت عقلانی (فکری) و عاری از خشونت تا مقاومت خشونت آمیز و در نهایت تروریسم منحصر و عساری از هر گونه عقلانیت را در بر می گیرد. بنابراین اگر قرارت ستیزه از تاریخ مسلمانان سبب می شود مردم چنین بیندازند که این دین اسلام یکسره خشونت و بی رحمی است. چنین عقایدی در بهترین شرایط سانسور فکری و نادرست است.

جنگ و صلح در قرآن و زندگی پیامبر قتل، جنگ درگیری و حتی وضع قانون دستور دین، همگی به گونه ای مستلزم نوعی خشونت هستند. جنگ های جهانی که خشن ترین و مهلک ترین جنگ ها در تاریخ بشریت بوده اند نه غرب به طور عام و نه اروپا به طور خاص را به خشونت شهره نساخته اند. کشتار هندی ها در ایالات متحده این کشور را کشوری بربر و غیر متعین نکرد. استعمارگری اروپا که بخش های مختلفی از آفریقا و آسیا و از جمله جهان اسلام را به تیراج کشید و استعمار کرده به هیچ وجه اروپا را به منطقی کمتر تعین یافته تبدیل نکرد. دادگاه نیش عقاید در آسیا و جنگ های صلیبی، مسیحیت را دینی بربر و خشن معرفی نکردند. حتی در همین لحظه به آتش کشیدن مزار مذهبی شده مسلمانان در هند توسط ارتش و تپاش هند آیین هندویی را به نمونه سوز افندگی از خشونت و بربریت بدل نساخته. با این همه این روزها عده ای وجود دارند که مایلند اسلام و پیامبر را خشونت طلب یا اصول خشونت معرفی کنند.

پیش تر گفتیم که طی دوره پسانبوی درگیری ها و خشونت های متعددی به نام اسلام روی داده و با این همه اسلام آن را تأیید نکرده. به ویژه آن که به مدت ۱۲ سال در مکه مسلمانان به هیچ وجه حق تلافی هر گونه خشونت از جانب شکنجه گران قریش را نداشتند. بسیاری از مردم در مورد محمد (ص) دچار سوء تفاهم می شوند زیرا آن ها زمانی که او را با شخصیت های دینی دیگری همچون عیسی (ع) و بودا مقایسه می کنند تقلیل و تضاد شده و چشم گیری را ملاحظه می کنند.

عیسی (ع) همان گونه که در کتاب مقدس تصویر شده تجرد، عطف و رحمت پاک الهی است. بودا نیز نفس انسانی است که از گیر و دار زندگی فرستگ ها فاصله دارد. بسیاری از مردم در این دو شخصیت مقدس پیام عاری از خشونت را در می بینند. در مقابل، محمد (ص) شخصیتی کلاماً متفاوت دارد. مشهور است که او طی دوران جوانی اش به اعراب خشونت طلب کمنک کرد. نایا یکدیگر صلح کنند و دست از جنگ بردارند. به علاوه او با هدف ایجاد اتحاد علیه هر گونه ظلم، بی عدالتی و کشتار به «حلقه فضول» (پیرمان جوانمردانه) پیوست. او یک تاجر مغرب موفق و مرد زندگی است که تمام هوشمندی اش را به چیز چینی تکرار و آموختن راه طی فتح مکه صرف می کند. کفش هایش را از خود وصله می کند. مومنان را به عدالت دعوت می کند و در صورت لزوم به مبارزه بر می خیزد.

چنین مقایسه ای بین محمد (ص) از یک سو و عیسی و بودا از سوی دیگر هم نادرست و هم غیر منصفانه است. این مقایسه زمانی که منجر به توجیه نتیجه گیری آن ها در مورد اسلام و پیامبر می شود ناخوشایندتر است. برخی افراد می گویند در قرآن و حدیث آیه ت و روایاتی به ایند که در آن ها

زندگی را نیز باید جهانی در نظر گرفت که از منظر اسلام بر فطرت مبتنی است.

ملاحظات تاریخی تاریخ مسلمانان همانند تاریخ بسیاری از جوامع دیگر عاری از جنگ نبوده است. پیامبر طی دوره نبوت در مدینه با تمام کسانی که علیه جامعه و حکومت نوپای اسلامی تملق می کردند برخورد نمود. در دوران بعد از رحلت پیامبر نیز درگیری ها در دو جبهه دنبال شد. حکومت اسلامی که از آغاز بر مبنای کثرت گرایانه مبتنی بود به جنگ یا تسنن های بزرگ و قدرت های کوچک آن زمان گشاده شد. در پی این امر، حکومت اسلامی جبهه دیگری را نیز بر روی خود گشاده دید. کشمکش ها و شکاف های درونی قدرت ها و پلوی کهای مخالفه درگیری های خانمان سوز علیه یکدیگر بر پا کردند که در انقلاب سواره با روح پینش و احکام اسلام کلاماً پیگه بود.

تقسیم جهان به «دار الحرب» و «دار الاسلام» ایند فقهی مسلمان دوره مقدم بود که با مسائل و مشکلات زمله خویش دست به گریزی بودند اما واقعیت آن بود که در دار الاسلام درگیری ها و

زندگی را نیز باید جهانی در نظر گرفت که از منظر اسلام بر فطرت مبتنی است.

ملاحظات تاریخی تاریخ مسلمانان همانند تاریخ بسیاری از جوامع دیگر عاری از جنگ نبوده است. پیامبر طی دوره نبوت در مدینه با تمام کسانی که علیه جامعه و حکومت نوپای اسلامی تملق می کردند برخورد نمود. در دوران بعد از رحلت پیامبر نیز درگیری ها در دو جبهه دنبال شد. حکومت اسلامی که از آغاز بر مبنای کثرت گرایانه مبتنی بود به جنگ یا تسنن های بزرگ و قدرت های کوچک آن زمان گشاده شد. در پی این امر، حکومت اسلامی جبهه دیگری را نیز بر روی خود گشاده دید. کشمکش ها و شکاف های درونی قدرت ها و پلوی کهای مخالفه درگیری های خانمان سوز علیه یکدیگر بر پا کردند که در انقلاب سواره با روح پینش و احکام اسلام کلاماً پیگه بود.

تقسیم جهان به «دار الحرب» و «دار الاسلام» ایند فقهی مسلمان دوره مقدم بود که با مسائل و مشکلات زمله خویش دست به گریزی بودند اما واقعیت آن بود که در دار الاسلام درگیری ها و

(ع) محمد عمر فاروق  
ایسلام انساندینی متعصب نامتسلخ خشن  
و جنگ طلب است یا دینی آرام و صلح جوست؟  
موضوع حلقه نصیب در این جا آن است که معمولاً  
در معرفی اسلام به عنوان مذهبی ذاتاً طرفدار صلح  
یا خشونت نوعی قیرو کفش گرایی غیر قابل قبول  
اجمال می شود که نتیجه ای جز کژفهمی یا معرفی  
نا درست و نامطلوب این دین مبین را در پی ندارد.  
در این میان سه حوزه مر کانون بحث در این باره در  
خور بررسی و مناقشه قرآن کریم، زندگی پیامبر  
اسلام (ص) او تجربه تاریخی.

مسلمانان قرآن را منبع و مرجع نهایی هدایت  
فهمی می دانند و به آن بساورد دارند. حتی پیامبر  
اکرم نیز خلاف قرآن سخن نمی گوید چه رسد  
به دیگران. آیات قرآن را نباید از دیگر نشانه های  
الهی یا تجربه نبوی جداگشت. آیات قرآن و احکام  
الهی از حیث اولویت و اهمیت همه مراتب مختلف  
دارند. حیثیت یک کل به هم پیوسته است و اسلام  
راه مایی برای کل زندگی به شیوه ای کل گرا فیه و  
جامع به شمار می رود که در آن یک معنا یا هدف  
معقول و معتدل از ازمینی متعالی بر خور دارد است.

همواره با جدیت به وضوح و به طرز چشم گیری از خشونت و جنگ و درگیری سخن به میان رفته است. برای فهم بهتر این موضوع باید در نظر داشته باشیم که اسلام چنین تعلیم نمی دهد که اگر کسی به صورت شامسایلی زده آن طرف صورت خود را نیز بر اختیار او قرار دهد تا سبیلی بزند همان طور که گفتیم اسلام بر فطرت مبتنی است اگر ما به مثابه یک جامعه صورتمان را در مواجهه با خشونت آزاد بگذاریم یا در راسه روی تجلوز تجلوز گران بگذاریم یا مسینه خود را در برابر سناحه یک قاتل قرار دهیم این خلاف طبیعت انسانی و خلاف (منطق) یک جامعه سالم کارآمد و پویاست.

هر کسی که با معایب شانولین آشنا باشد می داند که حتی بودایی ها به توسعه و گسترش فنون و هنرهای رزمی به عنوان نیاز برای حفاظت از خود (آن چنان که در سنتشان سفارش شده) کمک می کنند قرآن نیز بر حق علم دفاع از خود تأکید می کند.

هر خصم جنگ به مومنان که دیگران با آن ها کارزار می کنند دلداده شد زیرا آن ها از دشمن مستم کشیدند و خناباری آن ها فاجر است. آن مومنی که به ظلم و به ناحق از خانه های پنهان آواره شده و جز آن که می گفتند سرور دگر ما خدای یکتاست چرمی نداشتند و اگر خنابار خصم جنگ نهد و دفع شر بعضی از مردم را به بعضی دیگر نکند همانا مومنان ویران و کشتنها و مساجدی که در آن ها نماز و ذکر خدا بسیار می شود همه خراب و ویران می شود و هر که خنابار پاری کند البته خنابار را پاری خواهد کرد که خنابار منتهای اقتدار و توانایی است (حجج ۲۰-۲۹).

برخی اوقات حتی برای دستیابی یا حفظ صلح و آرامش، جنگ اجتنابناپذیر می شود. افسران گروهها اجزای و ملتها با هم برخورد برای دفاع از خود وارد جنگ می شوند حتی ملت های به اصطلاح مدرن و منتمدن که اکنون خود را متمدن به بدنام کردن اسلام به مثابه دین بربر و خشونت طلب می دهند، قادر نیستند از خشونت و جنگ و درگیری پرهیز کنند و از آن چشم پوی شوند. دلیل این عدم توانایی آن است که بعضا جنگ و خشونت وسیله ای ضروری برای دستیابی به صلح و آرامش است اما اسلام مشخصاً هر گونه تجلوز یا جنایت را ممنوع کرده است.

«در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی شما برخیزند جهاد کنید ولی مستکار نباشید که شما مستگرا دوست نماند» (بقره/۱۹۰)

البته تمام جنگ ها و درگیری ها صرفاً به دلیل دستیابی به حفظ صلح نیستند برخی اوقات، جست و جوی یک منفعت ناچیز ظالمانه یا محدود می تواند دستیابی به صلح تلقی شود و البته بشریت بهتر می داند.

جست و جوی عدالت با جست و جوی صلح همراه است و به آسانی می توان منطق و حقیقت زندگی را از یک سو و مقاصد هدایت با احکام در اسلام و حیات پیامبر را از دگر سو، ترک نمود صلح بدون عدالت توهمی بیش نیست این یک واقعیت انسانی است. اسلام افراد را به این سو سوق می دهد و تشویق می کند که هرگز دست از عدالت برندارند گذشته از این، اسلام روحیه مقاومت در برابر هر گونه بی عدالتی اجتماعی را در افراد تقویت می کند و این انگیزه را در مسلمانان پدید می آورد که مستحقاً برای دستیابی به عدالت و جامعه ای عادل بکوشند.

«ای اهل ایمان! تا نگذارید عدالت با شما برود و خناباری موافق حکم خدا گواهی دهید هر چند بر ضد خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد و چه به حال غنا یا فقر باشد که خدا سزاوار تر از شما بر این دو حال است پس شما در حکم و شهادت پیروی هوای نفس نکنید تا عدالت ننگه کارید و اگر زبان را در شهادت بگردید یا از بیان حق خودداری کنید خدا به هر چه کنید آگاه است» (سوره/۱۲۵).

عدالت طلبی و جست و جوی عدالت صرفاً خاص

مسلمانان نیست و تنها به این عمل مومنان محدود نمی شود مسلمانان باید از عدالت دفاع کنند و آن را گسترش دهند خواه فریبکاران این راه مسلمان باشند یا غیر مسلمان به ویژه آن که مسلمانی وجود دارند که کاملاً با این بعد جهانی عدالت از چشم انداز اسلام هماهنگ نیستند بنابراین طی دوران حیات پیامبر جنگ و خشونت و خونریزی وجود داشته است او در بسیاری لشکر کشی ها خود به شخصه فرماده بود و در بسیاری بیکارها خود نیز شمشیر می زد این از آن سبب بود که زندگی، بعضاً جنگ و درگیری را واجب می کرده چرا که اسلام اساساً سکوت و صلح در برابر بی عدالتی را تأیید و تشویق نمی کند هر نبرد و کارزاری در طی حیات پیامبر اکرم (ص) را می یابست در یافت این واقعیت انسانی زندگی در که کرد این امر صحت ندارد که در دوره پس از نبوی، بعضا مسلمانان و نیز غیر مسلمانان از سوی دستنگاه حاکم در جهان اسلام مورد خشونت قرار می گرفتند. مسلمانان باید بسیاری از استیلاهای حاکمان مسلمان در طول تاریخ را بپذیرند در عین حال از حیث تطبیق و مقایسه این مسئله از مسأله او سوا و خیم بر و ناخوشایند تر از بیکارهایی نیست که به نام دین پا ایدولوژی صورت می گیرد. در حقیقت این مسئله را نباید با معیارهای امروزین تجربه بشری مقایسه کرد اما در عین حال در برخی ادوار تمدن اسلام، غیر مسلمانان، از جمله یهودیان، حاکمان مسلمان را بهترین پناهگاه برای حفظ جان خود می دانستند و برای خلاصی از شکنجه و آزار و لذت های مسیحیان به حکومت های اسلامی پناه می بردند.

اکنون اجازه دهید نگاهی به برخی از آیات قرآن بکنیم. در ابتدا این آیات را در نظر بگیرید: «کفران هرگز نیندازند که به فکر خود پیش شانند هرگز خدا را زبون نخوانند کرد شما در مقام مبارزه با آن ها خود را مهیا کنید و تا آن حد

**اسلام از انسان در این دنیا می خواهد این جهان را جدی بگیرد و در عین حال، آن ها را که آخرت را فدای او می گردانند نکوهش می کند.**

که بتوفیق از آذوقه و آلات جنگی و اسبان سواری برای تهدید دشمنان بخوانند و دشمنان خودتان فراهم سازید و بر قوم دیگری که شما بر دشمنی آنان مطلع نیستند و خناب آن ها آگاه است نیز مهیا باشید و آن چه در راه خدا صرف می کنید خدا تمام به شما عود خواهد داد و هرگز به شما مستم نخواهد شد» (تفال/۵۹-۶۰).

«پس از آن که ماهای حرام (ذبحیده) ذبحیده محرم و رجب در گذشت آن گاه مشرکان را هر چو یابید به قتل برسید و آن ها را دستگیر و محاصره کنید و هر سو در کمین آن ها باشید چنانچه از شرک توبه کردند و نماز اسلام بیا داشتند و زکات دادند پس از آن ها دست بردارید که خدا آمرزنده و مهربان است» (توبه/۵).

بر اساس این آیات اگر کسی بی نتیجه را استیلا کند یا بخواهد به این نتیجه برسد که اسلام خشونت طلب است و خشونت را تبلیغ می کند به تمام آن مسخره جوئی که در آغاز سخن اشاره کردیم یعنی قرآن، حیات پیامبر و تجربه تاریخی مسلمین، توهین و آن ها را نفی کرده است. هدایت اسلامی به افراد کمک می کند تا بین فراژ و تشبیه های زندگی اعتدال ایجاد کنند این هدایت از پیش تعریف شده نیست بلکه جست و جوی پویا برای عدالت و برابری است اسلام خواهی بود برای خود مقاومت در برابر ظلم و بی عدالتی و خواهی برای مبارزه برای دستیابی به جامعه ای عادل تر، از پیروان خود می خواهد تا برخی اصول و احکام و پاره ها را رعایت کنند و به آن ها پایدار داشته باشند. در آیات از آیات فوق که در آن از مسلمانان خواسته شده تا آن حد که بتوانند آذوقه و آلات جنگی و ساز و کار جنگ فراهم کنند باید این

مورد را در نظر گرفت که اولاً ما با شرایطی مواجه هستیم که ناظر به خیانته تزویز و دورویی و فرسخ یک جاقبه پیمانی است که از سوی مخالفان و دشمنان مسلمان بر آن ها تحمیل شد و ثانیاً پس از آن، این آیه آمده که: «هر اگر دشمنان به صلح تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش و بر خدا توکل کن و کار خود به خدا واگذار که خدا شنوا و دانا به صلاح خلق است» (تفال/۶۱). اهمیت این آیه آن است که هدف نهایی صلح است هدای که جامعه باید به مثابه یک اندام، آرمان و هنجار در پی آن باشد اسلام تأکید می کند که پیروانش برای برقراری صلح بکوشند و همواره روزه سوی آن داشته باشند.

مسلمانان باید (همانند دیگر انسان ها) با آن ها که قصد آسیب رساندن به مسلمانان را دارند یا با مسلمانان بی واره کردن هر نوع خسارت یا بی عدالتی و ظلم هستند مبارزه کنند اما اگر همین اقتدار دست از مقاومت بردارند و صلح نکنند بر مسلمانان واجب است که متقابلاً صلح نکنند حیات و میراث پیامبر هر دو به عدالت و صلح رهنمونند هر زمان که مردم عام از مسلمان و غیر مسلمان آیه ای را به گونه ای تقصیر و جسسه گریخته در نظر بگیرند عمداً یا سهواً مرتکب اشتباهات جدی می شوند یا زدن مؤثر خشونت به اسلام در حالی که این دین ما را به تعادل در زندگی مان دعوت می کند صرفاً آن دسته از عوامل افراطی و متعصبی را تأیید و حمایت کرده ایم که از اسلام برای مقاصد و اهداف افراطی متعصبانه خود سوء استفاده می کنند صلح و عدالت دو هدف بسیار حائز اهمیت برای بشریت و البته برای اسلام و مسلمانان به شمار می روند هدف اسلام نیز آن است که پیروانش را به سوی این دو هدف سوق دهد و هدایت کند در این جا به برخی از آیات و احادیث نبوی اشاره می کنیم که مسلمانان باید آن ها را به مثابه حکم بپذیرند و بشریت باید به این احکام مطابق اعتقاد مسلمانان احترام بگذارند.

«هر با کافران جهاد کنید تا فتنه نباشد و همه را این خدا باشد پس اگر از فتنه برگشتند پس مشم جز بر مستگرا نروانیت» (بقره/۱۹۲).

مسلمانان باید پیروان دیگر ادیان (پیروان مسیحیت، یهود، هندو و...) و یا پیروان ایدئولوژی ها (کومنیسم، کاپیتالیسم و...) ملایم که بی بی عدالتی و ظلمی مرتکب نشوند، مشکلی ندارند البته مشروط بر این که مسلمانان، خود در هیچ گونه ظلم و بی عدالتی مشارکت نداشته باشند «هر کسی شخصی را حتی به این دلیل که جنایتکار است یا خلافی را تساهله داده به قتل برساند گویی همه انسان ها را به قتل رسانده و اگر کسی زندگی انسانی را نجات دهد گویی زندگی تمام انسان ها را نجات داده است» (مائد/۳۵).

زندگی تمام مردم مقدس و محترم است و مسلمان بودن یعنی احترام بی شائبه به حیات انسان مقدس و حرمت زندگی مسلمانان و غیر مسلمانان در اسلام از چو نال اهمیت بی بر خور در است که پیامبر استراتژی مبتکرانه ای را برای باز پس گرفتن مکه اتخاذ کرد: کل فتح عملاً بدون خونریزی صورت گرفت شکستی که در جامعه قبایله ای خونریز عربی منقلب بود افزون بر این، حتی برای جنگ و درگیری دستور العمل های دقیقی برای جلوگیری از آسیب دیدن غیر نظامیان عام از زنان، کودکان، که سالان و روحانیون تدوین شده است.

شخصی از پیامبر اکرم (ص) سؤال کردنی رسول خدا در اسلام چه کسی افضل است؟ حضرت پاسخ فرمودند کسی که مردم را انسانی مسلمان و غیر مسلمان از دست و زنجش در برابر باشند (مسند احمد ص ۶۷۶) به نقل از عبدالله بن عمر زندگی پیامبر اکرم (ص) یکسر موقفتمندن کردن جامعه خونریز و جنگ طلب و پر شکمش

عربستان شد و این امر خود نمونهای از توانایی با تقوه فشان است این توانایی، پاس از ایجاد تحول مثبت در جامعه را از افراد دور می کند تلاش پیامبر نقطه پایانی نیست بلکه مرجعی برای تمام بشریت و منبع هدایت و الهام بخش تمام انسان های عالم است. اسلام از انسان ها می خواهد در بی تعادل و عدل باشند و از افراط و تفریط در زندگی پرهیز کنند اسلام به ضما و مستند بدگنان، شجاعت و جسارت می بخشد و هم زمان آن ها را که هر بی قدرت و حاکمیت هستند کو چکمی شمارد.

اسلام ضمن مسئول دانستن مستمکاران و مستمارگران، به مستمیدانان و مظلومان جرأت و جسارت می بخشد اسلام از انسان ها در این دنیا می خواهد که این جهان را جدی بگیرند و در عین حال، آن ها را که زندگی پس از مرگ و آخرت را فراموش کرده اند مورد نکوهش قرار دهد بدین ترتیب این که اسلام دین صلح است توجه دین نمی کند که چرا این دین در پی پیسل کردن روح مبارزه و جهاد در فشان هائیز هست و این که اسلام دین خشونت است نیز توجه گر این مسئله نیست که چرا این چنین پرشور بر صلح پای می نشرد حتی قرابین دلالت ناگورم بر تنده جایزه توبی انبیت از هند این جنبه را در زمان خود گوراه به زیبایی تصویر کرده است: «تا گور» از زبان «گوراه» شخصیت اصلی داستان، در گفت و گویی که بین او و مسلمانی که مورد ظلم قرار گرفته صورت می گیرد می گوید: «کسی که بدی را تحمل می کند خود شریک جرم است چرا که او با این کار اثر بدی در جهان حمایت می کند شما را در ک نمی کنید اما به خاطر داشته باشید که دین صرفاً یک اسلح نیست به طبع، خانع و پاک حینت بودن نیست این دین، انسان های بد را جسور می کند

پیامبر شما این موضوع را ترک می کرد و از ابرو است که او صرفاً به عنوان یک انسان خضع و تعجب به تبلیغ دین نمی رود باخت شاعر انقلابی بنگال، کازی نازول (Kazi Nazrul) این جنبه از اسلام را به شایستگی در راپسودی مشهور خود بیان کرده است

در یک دستم فلوت ظریف و جاسی و در دست دیگرم شیپور جنگ

او در توضیح قرار گرفتن شمشیر و فلوت چنین می گوید: «جه گل نشستن، منمب من است شمشیر، بازی در دست من است اما آن را روانی نمی گزارد زمین نمی گزارد که من در غروب همراه چوپان های جوان فلوت می زنم، سحر کاهان همراه و هم صدا با موخن افکن می دم، در نیم روز یا شمشیر برهنام وارد ممر که نبرد می شوم، فلوت من، شیپور جنگ می شود»

«موسیقی من برای زیبایی است و شمشیر برای هیولاهایی است که این زیبایی را تهدید می کنند» آن ها که مایلند از عیسی و یسونا به عنوان الگو پیروی کنند به زودی در خواهند یافت که صلح و تسلیم زانمانیانه و مطلق همواره نمی تواند ما را در فائق آمدن بر واقعیت تلخ و خشن و ماهیت زندگی پاری دهد آن ها که در خصوص استفاده از زور و خشونت در مواجهه با استکبار تمصب دارند در خواهند یافت که وجدان مشترک بشریت و تمدن بشری آن ها را در تاریخ منلوب و مدفون خواهد کرد محمد (ص) شخصیتی خاص در تاریخ بشر است که به نحو موقبت آمیزی نیاز به صلح و عدالت را اعتدال کرد مسلمانان در طول تاریخ عمدتاً در پیروی از شیوه اعتدال محور پیامبر اکرم (ص) سخت ناکام ماندند اما آن ها تنها با تأیید حمایت و ارزش دادن به این شیوه اعتدال محور پیامبر است که می توانند بر ناکامی ها و معصیت هایشان فائق آیند و به بشریت فی سبیل الله خدمت کنند»

توجه فرمائید که کافران و مستمکاران در دست و زنجش در برابر باشند (مسند احمد ص ۶۷۶) به نقل از عبدالله بن عمر زندگی پیامبر اکرم (ص) یکسر موقفتمندن کردن جامعه خونریز و جنگ طلب و پر شکمش

توجه فرمائید که کافران و مستمکاران در دست و زنجش در برابر باشند (مسند احمد ص ۶۷۶) به نقل از عبدالله بن عمر زندگی پیامبر اکرم (ص) یکسر موقفتمندن کردن جامعه خونریز و جنگ طلب و پر شکمش

مجلس بین المللی Message ج ۱۷، ۱۲۷ قسمت سعیر ۰۰۲ کمی ۱۹-۱۵